

## بررسی علل امنیتی شدن موضوع اقلیت‌های دینی در پی تحركات خارجي و تبعات آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۹

محمدعلی سلامی<sup>۱</sup>

دکتر حمید پیشگاه هادیان<sup>۲</sup>

دکتر محمد علی خسروی<sup>۳</sup>

دکتر حبیب الله ابوالحسن شیرازی<sup>۴</sup>

### چکیده

از جمله عوامل نقش‌آفرین در راستای امنیتی کردن اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی، تحركات کشورهای متخاصم و مجامع و محافل بین‌المللی و عمدتاً حقوق‌بشری می‌باشند که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، از اقلیت‌های دینی به عنوان حربه‌ای بهره‌برداری کرده‌اند. اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی، نقش کم‌نظیری برای تحکیم ثبات و انسجام ملی و هویتی داشته‌اند، به همین دلیل است که بیگانگان تمام تلاش خود را معطوف نموده‌اند تا به بهانه دفاع از حقوق اقلیت‌های دینی، به واگرائی آنها دامن‌زده و سپس زمینه‌های امنیتی شدن این اقلیت‌ها را فراهم سازند. به هر روی کشور ایران، سرزمینی پهناور و متشکل از اقوام، نژادها، مذاهب و ادیان مختلفی است که با هم و ذیل یک پرچم، ملت واحدی را تشکیل داده‌اند. این مجموعه به مثابه یک پازل به درستی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اگر هر کدام از قطعات این پازل جابجا، مفقود یا دچار اختلال شود، در کل آن مجموعه، خلل جبران‌ناپذیری ایجاد خواهد شد. از جمله پازل ایران بزرگ، اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت می‌باشند. به دلایل مذکور معارضین جمهوری اسلامی اعم از اپوزیسیون و کشورهای بیگانه با جوسازی یا با توسل به مجامع و محافل بین‌المللی حقوق بشری، بر موضوع امنیتی‌سازی اقلیت‌های مختلف، بویژه اقلیت‌های دینی در کشور تاکید ورزیده‌اند. هرچند که به همت نگاه همراهانه اقلیت‌های دینی قانونی، همواره ناموفق بوده‌اند. این پژوهش به دنبال آگاه‌سازی همگان از نقشه‌های بیگانگان برای امنیتی‌سازی این اقلیت‌ها و ارائه راه کار برای تقویت همگرایی هرچه بیشتر آنها می‌باشد. در پژوهش حاضر از روش کتابخانه‌ای و نظرات صاحب‌نظران بهره‌برداری شده و یافته‌ها نشان داد که علیرغم تلاش‌های بی‌شمار، دول مذکور توفیقی حاصل نکرده‌اند.

**مفاهیم:** اقلیت دینی، امنیتی کردن، حقوق اقلیت‌های دینی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Mehro5544@yahoo.com

<sup>۲</sup> استاد یار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

phamidhadian@yahoo.com

<sup>۳</sup> استاد یار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران malikhosravi@gmail.com

<sup>۴</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

habib\_shirazi@yahoo.com

در دهه های اخیر، نگاه ابزاری دول متخاصم و مجامع بین المللی و حقوق بشری به اقلیت های دینی، در حوزه های مورد علاقه آنها پررنگ تر شده است. جوامع دینی و مذهبی به تناسب برجستگی مسائل دینی و مذهبی در آنها که متضمن و موجد افتراق، اختلاف، رقابت و در نتیجه، به صورت بالقوه مستعد منازعه اند، همچون ابزاری در دست بیگانگان به منظور دستیابی به مطامع و نیات خویش، نظیر تضعیف و اعمال فشار به کشورها به بازی گرفته می شوند. در این راستا و در سالهای اخیر، قدرتهای فرامنطقه‌ای، تلاش داشتند نقشه سیاسی جدیدی در منطقه ترسیم کنند، در این میان نقش مسیحیت تبشیری (بویژه اوانجلیست‌ها یا مسیحیان صهیونیست)، برای موفقیت این نقشه قابل تامل است. در این سال ها، حضور گسترده این جریان سیاسی در ایران و کشورهای پیرامونی، افزایش قابل توجهی داشته و موجب شده تا به نام حقوق اقلیت های دینی، چالش های متعددی در روابط ایران با مجامع بین المللی بوجود آید. چنانچه در موضوع امضای برجام، شاهد تبادل زندانیان ایرانی و آمریکائی بودیم، یکی از این زندانیان فردی به نام سعید عابدینی (مسلمان مسیحی شده و عضو یکی از فرقه های مسیحیت تبشیری و بی ربط به اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) بود، که مورد تبادل قرار گرفت.

بدین ترتیب، پرسش از علل، زمینه‌ها، چرایی و چگونگی تبدیل پدیده اقلیت های دینی به مسئله امنیتی، از طریق تحركات خارجی و مجامع بین المللی و حقوق بشری همواره موضوعی بوده که ذهن تصمیم گیرندگان این عرصه ها را به خود مشغول کرده است. نکته حائز اهمیت این که اقلیت های دینی و مذهبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه بوده و حقوقی مترتب بر آن، برای آنها در نظر گرفته شده است.

برای تبیین اهمیت موضوع باید اذعان نمود اولاً کمتر کشوری را در عصر حاضر می توان سراغ گرفت که از نظر دینی یک دست و به دور از گسست های عقیدتی باشد. معنای این سخن آن است که پدیده «اقلیت دینی» موضوعی عام و فراگیر است که کلیه کشورهای به نوعی با آن در ارتباط هستند. در یک تقسیم بندی کلان می توان کشورهای جهان را به دو گروه اصلی تقسیم نمود: الف) کشورهایی که دارای موضع حکومتی و رسمی هستند و براساس آن اکثریت و اقلیت دینی موضوعیت پیدا می کند. ب) کشورهایی که انتخاب یک گزینه دینی خاص را به نفع ایدئولوژی های ساخته و پرداخته ذهن بشر — با عنایت به مقولاتی چون ماتریالیسم تاریخی و... — نفی می کنند. از منظر چنین ایدئولوژی هایی «اقلیت دینی» موضوعیت ندارد؛ چرا که جریان قدرت با توجه به شاخص های دیگری تعریف می شود و دین به طور کلی در حاشیه ی تحولات سیاسی — اجتماعی قرار می گیرد. (افتخاری، ۱۳۸۳) (خوب روی پاک، ۱۳۸۰)

ثانیاً تجربه موضوع امنیتی کردن پدیده های اجتماعی و سوء استفاده از آنان در یک حرکت ترکیبی و حساب شده توسط بیگانگان مستقلاً و یا با همراهی و همکاری مجامع بین المللی، این نکته را تذکر می دهد که

اقلیت‌های دینی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و از آنجا که هر موضوعی می‌تواند به عنوان حربه ای علیه کشورهای مخالف مورد سوء استفاده قرار گیرد.

از آنجا که رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران را دین و باورهای دینی تشکیل می‌دهد، تحرکات کشورهای متخاصم برای تضعیف این رکن جایگاهی اساسی و استراتژیک داشته و بسیار حائز اهمیت است. در این میان تنها گزینه ای که می‌تواند نقش برجسته و درخوری ایفا نماید، موضوع اقلیت‌های دینی است که با تحریک آنان و حمایت‌های ظاهری و تاکیدی بر نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها به نسبت حقوق اکثریت مسلمان در جمهوری اسلامی، زمینه برای دوری، سیاسی شدن و نهایتاً امنیتی شدن آنها را فراهم می‌سازد.

هر چند در راستای بحث پژوهش حاضر یعنی علل و زمینه‌های امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در پی تحرکات خارجی، متأسفانه کمتر آثاری یافت شد که مستقیماً به این مقوله پرداخته باشد، ولیکن کتاب‌ها و مقالاتی که بسترهای امنیتی شدن موضوعات و پدیده‌ها را به بحث گذاشته‌اند (همچون کتب مربوط به نظریات مکتب امنیتی کپنهاک) و...، قبل توجه بود که از برخی از آن‌ها در این پژوهش استفاده گردید. در این میان به موارد ذیل اشاره کرد:

بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۶) کتاب امنیت در نظام سیاسی اسلام، اصغر افتخاری (۱۳۹۲) عدالت و امنیت ملی در اسلام، اصغر افتخاری (۱۳۸۲) اقلیت‌گرایی دینی، طراحی یک چارچوب تحلیلی، محمد جهانی (۱۳۹۲) مقاله تاثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، و علی عبدالله خانی (۱۳۸۵) مقاله بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن و مک‌لین‌لای و لیتل (۱۳۸۰) امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها

به منظور تبیین اهداف و فرضیه‌های پژوهش، بر اساس مشاهدات، نقش آشکار و پنهان دول متخاصم، مجامع و محافل بین‌المللی و نهادهای به اصطلاح حقوق بشری، در سوء استفاده از اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت در جمهوری اسلامی ایران در کمتر مجمع علمی، دانشگاهی و...، به بحث گذاشته شده است، این در حالیست که موضوع اقلیت‌های دینی به عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی، همواره نقطه مشترک تمام قطعنامه‌های نهادهای مختلف بین‌المللی، دستگاه‌های دیپلماسی برخی کشورها، افراد شناخته شده سیاسی، پارلمان‌ها و پارلمان‌های ترسناک مطرح، طی بیش از چهل سال عمر نظام بوده است.

پژوهش حاضر به دنبال این است تا ضمن پرداختن به موضوع نقش کشورهای متخاصم و مجامع مذکور در تلاش برای امنیتی‌سازی اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران، اهمیت نقش این اقلیتها در ثبات و انسجام ملی را که خلاف منویات دول مذکور است برجسته و پرداختن به موضوعات اینچنینی را تذکر دهد. در این پژوهش فرض بر این است که رویکرد خارجی شامل تحرکات سیاسی و سیاست‌های ابزاری دول متخاصم، گروه‌ها و مجامع بین‌المللی و حقوق بشری از جمله علل و زمینه‌های امنیتی شدن یا امنیتی کردن اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت در جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

روش های پژوهش و ابزارهای تحلیلی بدین شرح می باشد:

الف) روش توصیفی- تحلیلی برای علل امنیتی شدن اقلیتهای دینی از منظر جامعه شناسی سیاسی مبتنی بر تحركات بیگانگان و مجامع و محافل بین المللی؛

ب) روش تحقیق مصاحبه‌ای با کارشناسان مرتبط با حوزه اقلیتهای دینی،

ابزار گردآوری اطلاعات: میدانی، کتابخانه ای و مصاحبه بر اساس شاخص های تعیین شده؛

### مفهوم شناسی و مبانی نظری

**اقلیت دینی:** اقلیت‌های دینی پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر به‌شمار می‌آیند که ضرورتاً حساسیت یا بار امنیتی ندارند؛ اگرچه همچون سایر پدیده‌های اجتماعی دیگر می‌توانند آثار و یا پیامدهایی داشته باشند که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم آن‌را به‌موضوع امنیت عمومی و ملی مرتبط سازد. در مقابل «اقلیت‌گرایی دینی» وجود دارد که پدیده‌ی امنیتی به‌شمار می‌آید و لذا در کلیه‌ی نظام‌های سیاسی نسبت به‌آن حساسیت بالایی وجود دارد.

(افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۴)

اقلیت‌های دینی را باید از جمله مفاهیمی ارزیابی کرد که اگرچه تعریف مشخص و کاملی از آن وجود ندارد، اما به‌خاطر ضرورت‌های اجرایی، قواعد و مقررات ناظر بر آن وجود داشته و اعمال می‌شوند؛ همانند مفاهیم دیگری چون «حق تعیین سرنوشت» برای کلیه‌ی «ملت‌ها» که با تمام ابهام پیرامون آن از اقبال عمومی در سطح جامعه جهانی برخوردار است. (خوب‌روی پاک، ۱۳۸۰: ۱۲۲)

**حقوق اقلیت‌های دینی:** مبحث حقوق اقلیت‌ها، از یک منظر امری جدید و امروزی است و از جنبه‌ی دیگر می‌توان گفت حداقل در عالم اسلام ریشه‌ای طولانی دارد. در قرون هفدهم و هجدهم، توجه علما و فلاسفه، معطوف به انسان و برداشتی انتزاعی از حقوق آن بود که البته با طرز نگرش انسان مدرن و به اصطلاح سوژه‌دکارتی- کانتی هم‌خوانی داشت، زیرا در فلسفه و علوم اجتماعی مدرن، سخن گفتن از انسان بلا تعین، امری مقبول و مفروض بود. از این روست که در اسناد حقوق بشر و شهروند (انقلاب فرانسه)، از انسان، فارغ از تعلقات گوناگون او سخن به میان می‌آید. آنچه بیش از هر چیز نظرها را به حقوق و وضعیت اقلیت‌ها جلب کرد، تأثیر آن‌ها در وقوع دو جنگ جهانی بود. در دوران پس از جنگ جهانی اول، نخستین سند حقوقی مربوط به حقوق اقلیت‌ها، پیمان ۱۹۳۸ مربوط به منع و مجازات نسل‌کشی بود و بعد از آن هم اسناد گوناگونی در مجامع جهانی، برای حفظ حقوق اقلیت‌ها به امضا رسیده است. البته، از نگاه طرفداران حقوق گروه‌های اقلیت، در عرصه بین‌المللی هنوز پیشرفت چندانی برای حفظ حقوق اقلیت‌ها صورت نگرفته است. مقاومت دولت‌ها،

تنوع گروه‌های اقلیت، تنوع مطالبات این گروه‌ها، راهبردهای مختلف آن‌ها برای بیان مطالبات<sup>۱</sup> خود، استراتژی‌های دولت‌ها در پاسخ‌گویی به خواسته‌های آن‌ها، واکنش‌های بین‌المللی و فضای بین‌الملل و مانند آن از عواملی هستند که باعث شده‌اند «حقوق اقلیت‌ها» به «داستانی بی‌پایان» مبدل شود (Thornberry, ۲۰۰۱: ۴۵-۷۳).

بررسی وضعیت اقلیت‌ها در ایران را نمی‌توان از مبحث حقوق آنان در اسلام تفکیک نمود. چون اقلیت‌های دینی در اسلام و سیره بزرگان دین مورد توجه بوده‌اند، در این خصوص قواعد و قوانین مختلفی وضع شده است. اسلام، به عنوان نظامی مذهبی و ارزشی با برخی از مذاهب مواجه می‌شد که با گسترش اسلام در وضع اقلیت قرار گرفتند. اسناد متعددی که از صدر اسلام تا کنون و از معاهدات نبی اکرم (ص) و ائمه تا مسائل فقهی مربوط به اهل ذمه وجود دارد، حاکی از احترامی است که در این دین آسمانی نسبت به ادیان دیگر وجود دارد. (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۵۲۹-۵۲۸).

در وضعیت فعلی ایران و با توجه به قانون اساسی کنونی کشورمان سه مقوله مربوط به اقلیت‌ها را می‌توان از هم تمیز داد: اقلیت دینی (زردشتی، یهودی و مسیحی)، اقلیت مذهبی (تسنن حنفی، مالکی، حنبلی و مذهب زیدی) و اقلیت قومی (که اسامی آن‌ها ذکر نشده است، اما در اصول خاصی به آنها اشاره شده، مانده اصول ۱۹، ۱۵).

از آنجا که انقلاب سال ۱۳۵۷ اسلامی بود و منجر به تشکیل حکومت اسلامی شد، می‌توان گفت آشکارترین اختلاف آئینی آن با اقلیت‌های دینی بود و از این رو، بیشتر از اقسام دیگر اقلیت در ایران، در قانون اساسی از آن‌ها سخن به میان آمده است. در ادامه به شرح مهم‌ترین نکات مربوط به حقوق اقلیت‌های دینی می‌پردازیم: قانون اساسی در بخش اعظم اصول مربوط به حقوق افراد و آزادی‌ها از فرد بدون تمایز خاص (حتی زن و مرد و یا با اعلام هر دو) سخن می‌گوید و بنابراین، محمول آن همه ملت و از جمله اقلیت‌های دینی بوده است، اما دست کم در اصول ۱۹ و ۲۰ به صراحت از این برابری یاد می‌شود. در اصل نوزدهم آمده است که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» و در اصل بیستم پس از تأکید حمایت یکسان قانون از «افراد ملت»، با قید رعایت «موازن اسلام» برخوردار ی یکسان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به طور یکسان مقرر می‌دارد.

۱. Expression

اصل سیزدهم قانون اساسی به بیان این حق اقلیت‌های دینی اختصاص یافته و در آن مقرر شده است که اقلیت‌های «دینی شناخته‌شده»، با رعایت «حدود قانونی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند». در این اصل علی‌القاعده منظور از احوال شخصیه باید همان باشد که در اصل پیشین (دوازدهم) آمده و شامل ازدواج، طلاق، ارث و وصیت می‌شود. منظور از تعلیمات دینی هم باید تعلیمات دینی اقلیت مربوطه در مدارس یا مراکز خاص آن اقلیت باشد. همچنین در یکی از آرای وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۳ به ماده واحده «اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم» اشاره شده و در آن آمده که «جز در مواردی که مقررات راجع به انتظامات عمومی باشد» باید «قواعد و عادات مسلم و متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها» رعایت شود (محقق داماد، ۱۳۷۸: ۵۴۱).

تشکیل انجمن‌ها و نهادهای مختلف برای پیشبرد اهداف و آمال دینی اقلیت‌ها (البته با قیودی که برای همه شهروندان وجود دارد) در قانون اساسی مقرر شده است. در اصل بیست‌وششم و در بیان آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های اسلامی، از انجمن‌های اقلیت‌های دینی نیز سخن به میان آمده است. این حقی است که از آن به آزادی تشکل و تحزب نام برده می‌شود. همچنین در خصوص عضویت اقلیت‌های دینی در انجمن‌ها و اصناف نیز قانون اساسی منعی را روا نکرده است. غیر از تشکیل جمعیت و انجمن، اقلیت‌های دینی می‌توانند در تشکل‌های موجود نیز وارد شده و به فعالیت بپردازند (البته به این نکته در مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی تصریح شده است) (دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۵۸: ۳۸۹).

از سوی دیگر، با توجه به برخی اصول مانند بند ۸ ماده سوم که مشارکت عامه را مقرر می‌دارد و اصل بیستم که ناظر بر برابری آحاد ملت می‌باشد و همین طور اصل ششم قانون اساسی که اداره کشور را با اتکا به آراء مردم می‌داند؛ روشن می‌شود که حق مشارکت سیاسی اقلیت‌ها برای انتخاب مقامات و مسئولین کشور، همانند دیگر آحاد ملت است. این مشارکت زمانی به کمال می‌رسد که اصل شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «... زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند».

اگر توجه شود که اقلیت‌های دینی در ایران کمتر از یک درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، متوجه می‌شویم که نسبت نمایندگان آنها با توجه به ترکیب جمعیتی، چندبرابر میزان متناسب آنهاست. این راه، یکی از ترتیبات حفظ حقوق و تضمین مشارکت سیاسی گروه‌های اقلیت محسوب می‌شود که در اصطلاح «کرسی‌های تضمین‌شده» خوانده می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵).

از حیث محدودیت‌ها و محدوده‌هایی که بر فعالیت‌های اقلیت‌ها منظور شده، در اصول نهم، چهاردهم و بیست‌وششم نکاتی آمده که به این شرح‌اند: عدم توطئه و اقدام علیه اسلام و جمهوری اسلامی، خدشه

واردنکردن بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی کشور، رعایت اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی. با اینکه برخی از این نکات کلی هستند، (مانند خدشه واردنکردن بر استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کشور)؛ اما در کل همان حدودی هستند که قانون‌گذار بر همهٔ آحاد ملت، رعایت آن‌ها را الزامی ساخته و چیزی افزون بر بقیه برای گروه‌های اقلیت در نظر نگرفته است.

از منظر فقه سیاسی شیعه نیز می‌توان دو نوع رابطه میان اهل کتاب و حکومت اسلامی متصور شد یا فرض کرد: بر اساس فرض اول میان اهل کتاب و حکومت اسلامی قرارداد ذمه وجود دارد و آنان ملزم به تحقق شرایط ذمه از جمله تعهد به پرداخت جزیه، پرهیز از رفتار منافی با امان و صلح، پرهیز از آزار رساندن به مسلمانان، عدم تظاهر به محرمات اسلامی، خودداری از احداث معبد جدید و پایبندی به قوانین و مقررات دولت اسلامی‌اند. بر اساس فرض دوم نیز اهل کتاب معاهد حکومت اسلامی تلقی می‌شوند و عهد آنان مطابق با شرایطی که حاکم جامعه اسلامی صلاح می‌داند، مبتنی بر اصل لزوم پایبندی به قراردادها، سیره و سنت پیامبر و اختیارات حاکم در اداره حکومت اسلامی منعقد می‌شود. از آنجا که اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون اساسی ملزم به شرط مقوم عقد ذمه یعنی پرداخت جزیه نیستند، نمی‌توان آن‌ها را از زمره اهل ذمه محسوب کرد و از این رو قانون اساسی اقلیت‌های دینی را معاهد نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب کرده است. اقلیت‌های دینی و حاکم جامعه اسلامی طرفین عهد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان معاهده تلقی می‌شوند. مبتنی بر این معاهده، اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی از حقوق و تکالیفی برخوردارند که می‌توان از التزام به قوانین و مقررات حکومت اسلامی، انجام‌دادن فعالیت‌های منافی با امنیت مسلمانان، ممنوعیت تظاهر به منکرات اسلامی، ممنوعیت تبلیغ دین و ترویج شعائر اقلیت‌ها به عنوان مهم‌ترین تکالیف اقلیت‌های دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران یاد کرد. آزادی انجام مراسم عبادی، آزادی تعلیمات دینی و آزادی احوال شخصیه مبتنی بر آموزه‌های آئین آن اقلیت نیز مهم‌ترین حقوق پیروان ادیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی در اصل ۱۳ قانون اساسی به شمار می‌آید (کعبی، ۱۳۹۵: ۲۷-۲۸).

**امنیتی کردن:** «امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن»، نظریه‌ای است که از سوی اندیشمندان مکتب کپنهاگ، به ویژه اولی ویور در تحلیل مسائل امنیتی و شناخت رویکردهای امنیتی، پردازش شده و اشاره‌ای است به فرآیند شناسایی یا برجسب‌زدن به یک موضوع، به مثابه موضوعی امنیتی. (ویور، ۱۳۸۰: ۱۷۰). از سوی دیگر، رویکرد توسعه و تعمیق امنیت، نمی‌توانست توضیح دهد چگونه هر چیز یا موضوع به مسئله‌ای امنیتی تبدیل می‌شود و عامل این تبدیل چیست؟ در عمل نیز رویکرد توسعه مفهومی امنیت، می‌توانست این فرصت را در اختیار

سیاستمداران قرار دهد که هر موضوعی را برچسب امنیتی بزنند و از این رو، مدعی لزوم اقدامات فراقانونی و یا غیر روال‌مند برای حل آن شوند.

بنابراین، مفروض اصلی این اندیشمندان این است که مسائل، لزوماً امنیتی نیستند، بلکه امنیتی می‌شوند. به بیان دیگر، امنیت مقوله‌ای عینی یا مقدم بر زبان نیست، بلکه مفهومی پس از زبان است که در چارچوب نظریات زبان‌شناختی می‌توان آن را درک و تحلیل کرد. بنابراین، نظریه امنیتی کردن، بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌انگارانه شکل گرفته است، در عین حال که رویکرد واقع‌گرایانه به مفهوم امنیت را حفظ می‌کند. ویور در مقاله مشهور خود با عنوان «امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن»، معتقد است: «مسائل امنیتی عبارتند از رخدادها و تحولاتی که حاکمیت یا استقلال کشور یا دولت را به شیوه‌ای بنیادی و سریع مورد تهدید قرار می‌دهند و آن را از قابلیت توانایی لازم برای اداره و مدیریت مستقل خویش محروم می‌کنند و از این رو، نظم سیاسی را نیز به تحلیل می‌برند» (ویور، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۵).

بنابراین، نظریه امنیتی کردن، بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌انگارانه شکل گرفته است، در عین حال که رویکرد واقع‌گرایانه به مفهوم امنیت را حفظ می‌کند. در این چارچوب، آنچه امنیتی کردن را آغاز می‌کند و در واقع، شکل می‌دهد، عامل یا کنشگر امنیتی‌کننده است. کنشگر امنیتی‌کننده، در مقام تعریف، شخص یا گروهی است که کنش گفتاری امنیتی را انجام می‌دهد. بازیگرانی که این نقش را به اجرا می‌گذارند، رهبران سیاسی، دیوان‌سالاری‌ها، حکومت‌ها، گروه‌های سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع هستند.

اعلام و قرارداد یک مسئله در حوزه امنیت به معنای آن است که این مسئله، بالاترین منابع و هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و در عین حال می‌توان برای حل آن از راه‌های غیرمتعارف و استثنایی نیز استفاده کرد. در برخی نظریات و سیستم‌ها، امنیتی کردن خود یک راه حل تلقی می‌شود، زیرا از طریق امنیتی کردن مسائل، می‌توان منابع کافی را برای حل و رفع آن‌ها بسیج کرد. برای مثال، ترکیه در یک دوره‌ای با روی کار آمدن اردوغان، مسئله کردی را غیر امنیتی کرد و قوم کرد را به رسمیت شناخت و حتی نمایندگان آن‌ها را در پارلمان پذیرفت و در واقع، سیاست شناسایی را جایگزین سیاست امنیتی کرد، اما پس از چند سال که برخی کردها بار دیگر به کنش‌های خشن روی آوردند، به بازامنیتی کردن مسئله کردی پرداخت و اجازه نداد احزاب کردی در امور سیاسی شرکت کنند.

### یافته‌های پژوهش

#### اقلیتهای دینی و مقوله امنیتی شدن

ارزش امنیتی و یا رفتارهای ضد امنیتی اقلیت‌های دینی، موضوع مبتلابه کلیه نظام‌های سیاسی صرف نظر از تفاوت‌های ایدئولوژیک است. گرچه حسب باز یا بسته بودن نظام‌های سیاسی و مداراگری یا سختگیری‌شان،



ماهیت و محتوای درون‌بود ادیان، سابقه تاریخی، پیوند دین با مسائل دیگر مانند قومیت و پارادایم امنیتی حاکم بر هر کشور، کیفیت و درجه این ارزش امنیتی و رفتارهای ضد امنیتی متفاوت است، اما نگاهی به تجربه کشورهای مختلف حاکی از آن است که نظام‌های سیاسی، دستگاه‌های مجری قانون و جامعه امنیتی کشورها، تحركات ضد امنیتی اقلیت‌های دینی را چه به صورت بالقوه و چه بالفعل از نظر دور نداشته‌اند. در برخی مواقع و در برخی کشورها که دارای خطوط قرمز راهبردی می‌باشند، اقلیت دینی گرچه ظاهراً اقدام قانون‌شکنانه‌ای انجام نمی‌دهد، اما با فعالیت دینی خود تاثیرات بلندمدت امنیتی در حوزه فرهنگی، سیاسی و هویتی ایجاد می‌کند.

مُراد از خطوط قرمز راهبردی، خطوطی است که در عرض قانون قرار دارند. در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اقمار آن، مسئله فعالیت اقلیت‌های دینی در دایره‌ای موسوم به «خرابکاری ایدئولوژیک» بررسی می‌شد. فعالیت پیروان یهودیت، فرقه‌های مسیحی غیر ارتدکس مانند شاهدان یهوه، فرقه بهائیت و حتی مسیحیت ارتدکس و مسلمانان ذیل این دایره بررسی می‌شد. علت این تلقی از اقلیت‌های دینی به عنوان خرابکاران ایدئولوژیک این بود که فعالیت آن‌ها حتی اگر خلاف قانون نباشد، به شکاف اجتماعی و حتی گسل اجتماعی داخلی و مانند آن‌ها منتهی می‌شد.

جمهوری اسلامی ایران بدون تردید تفاوت ماهوی و ساختاری عظیمی با شوروی دارد. میزان آزادی‌های عمومی و رعایت حقوق شهروندی به هیچ‌رو قابل قیاس با آن و یا هر حکومت ایدئولوژیک دیگری نیست، اما این هم هست که جمهوری اسلامی، نظامی هویت‌پایه بر مبنای دین اسلام و مذهب شیعه است؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها بر اهمیت بسیار مهم متغیر هویت در تداوم انقلاب اسلامی و نیز بر اهمیت بسیار مهم جایگاه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در ادامه حیات این شجره طیبه تأکید داشته‌اند.

در تحلیل این مسئله نیازی نیست که به آن تنها از منظر اعتقادی نگریسته شود. حتی نگاه غیراعتقادی به امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران هم نشانگر اهمیت بُعد اعتقادی - هویتی و ایدئولوژیک آن است. از آن گذشته، ایران، فارغ از نظام جمهوری اسلامی، همواره شاهد تداوم و یکپارچگی هویتی بوده است که حفاظت از آن، از نظر تاریخی، توجه وسیع به فعالیت ادیان و فرق مختلف را ناگزیر ساخته است. از زمان سیاستنامه خواجه نظام‌الملک تاکنون، منطق «دین و دولت به هم جسییده‌اند» منطق مختار حکمرانی و کشورداری در ایران بوده است. نوع واکنش مردم ایران به فرقه‌هایی مانند بابیت و بهائیت هم گواه این تداوم تاریخی است. این تداوم به معنی ستیزه‌جویی ایرانیان در برابر دین خاصی نیست. به دیگر بیان، ایرانیان هرگز مانند مردمان اکثر کشورهای اروپایی، یهودی‌ستیز نبوده‌اند.

اقلیت‌های دینی در صورتی برای ایرانیان تهدید تلقی می‌شدند که به جز بُعد ضد امنیتی آشکار که ارتکاب به خشونت بود، یا برای اعتقادات جمعی دینی ایرانیان تهدید ایجاد کنند و یا اینکه مخلاً هویت آنان باشند. در مورد اعتقادات دینی جمعی، تغییر کیش و دین با تبلیغ آشکار و پنهان، تهدیدی جدی بود. از میان اقلیت‌های دینی موجود در ایران این کنش محدود بود. در میان اقلیت‌های دینی قانونی، تنها شاخه غیر قانونی مسیحیت تبشیری (ژروتستان) با افزایش فعالیت در این زمره قرر گرفته اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی همیشه بر هر دو جنبه اسلامی و ایرانی بودن تأکید دارند و در کنار تأکید بر بُعد هویتی اسلامی می‌فرمایند: «ما بایستی با فرهنگ خودمان، ایرانی زندگی کنیم، ایرانی باید بیندیشیم و فکر کنیم.»<sup>۱</sup> بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۸/۰۷/۱۷<sup>۲</sup> از همین رو، تهدیدی که از این ناحیه متوجه تمامیت هویتی و اعتقادی ایران است، اساسی‌تر است.

اگر بخواهیم خلاصه کنیم، رفتار ضد امنیتی را می‌توان به دو بخش آشکار و جریان‌سازانه تقسیم کرد. اقدامات آشکار ضد امنیتی، اقداماتی هستند که قانوناً اقدامات مجرمانه محسوب می‌شوند. اقدامات جریان‌سازانه ظاهر قانون‌شکنانه ندارند، اما دارای تبعات بلندمدت امنیتی هستند و در حقیقت می‌توانند زمینه‌ساز اقدامات مجرمانه در سطح بالای هویتی، همبستگی اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگی باشند.

به این موارد باید یک متغیر دیگر را هم اضافه کرد و آن هم ارتباط میان اقلیت دینی با دولت‌های خارجی است. برخی اقلیت‌های دینی فاقد ارتباط مشخص با دولتی خارجی هستند. برای مثال، اقلیت هندو در کشورهای مختلف یا اقلیت یهودی به شدت مورد حمایت دولت هندوستان و ورژیم صهیونیستی قرار دارند و دارای ارتباطات مشخص و سازمان‌یافته اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی و .. با آنها هستند، اما متقابلاً برخی از ادیان فاقد حامی سیستماتیک هم‌کیش هستند. مثلاً پیروان دیانت صابئین یا مندائیان (پیروان حضرت یحیی علیه السلام)، یا یزدیان عراق فاقد چنین ارتباطی هستند؛ چون دولت حامی مشخصی ندارند. البته دولت‌هایی که مدعی حمایت از حقوق بشر هستند، سعی دارند حمایت از هر اقلیت دینی را پیشه خود سازند و از این مسئله به عنوان مزیت و عامل برندسازی برای سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند. هر چند اقلیت‌های دینی ممکن است تهدید امنیتی به همراه داشته باشند و زمینه‌ساز رفتارهای ضد امنیتی باشند، اما بعضاً برای کشورها دربردارنده فرصت‌های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی، فرهنگی و ... هستند. اینکه از چنین فرصت‌های احتمالی چگونه می‌توان استفاده کرد هم به نوع اقلیت دینی و محتوای درون‌بود اعتقاداتش، هم زمینه بهره‌جستن و هم پارادایم امنیتی و حکمرانی آن کشور مربوط است.

بخش دوم: تأثیر امنیتی شدن اقلیت‌های مذکور بر شاکله انسجام و همبستگی اجتماعی و ملی در ایران؛

«هم‌بستگی اجتماعی» از نگاه دورکیم دارای ماهیت، جامعه‌شناختی است. از نظر او، یکی از عناصر عمده تشکیل دهنده یکپارچگی و هم‌بستگی اجتماعی، عمل و روابط متقابل اعضای گروه با یکدیگر است. یعنی به موازات تکامل جامعه در جهت تمایز اجتماعی، فرایند کثرت‌گرایی فرهنگی رخ می‌دهد و رفته رفته هرچه افراد

از آزادی عمل بیشتری برای شکل دادن به افکارشان برخوردار می‌شوند، دامنه فرهنگ مشترکشان کاهش می‌یابد. دورکیم استدلال می‌کند، تقسیم کار به تدریج پایه اصلی به هم پیوستگی اجتماعی می‌شود و با گسترش تقسیم کار مردم بیش از پیش به یکدیگر وابسته می‌شوند. او معتقد بود که در فرایند تقسیم کار است که جامعه می‌تواند پیوسته و نهایتاً به آرامش و تعادل دست یابد. چنین جامعه‌ای بهنجار و طبیعی است، زیرا انسجام و ثبات دارد. (خوشحال، ۱۳۹۸)

همواره می‌توان گفت که یکی از دلایل بزرگ پیشرفت مادی و معنوی هر ملت انسجام و پیوستگی (همدلی و هم‌زبانی) آن است و هماهنگی میان اجزای تشکیل‌دهنده کل نظام یک جامعه را «هم‌بستگی» می‌گویند. دورکیم مدعی بود، هیچ جامعه‌ای بر شباهت کامل یا تفاوت مطلق استوار نیست و هر چه تمدن پیش‌تر می‌رود، ضرورت ایجاد هم‌بستگی کارکردی زیادتر می‌شود. (بشیریه، ۱۳۸۳)

یکی از عناصر عمده تشکیل‌دهنده هم‌بستگی عمل متقابل اعضای گروه با یکدیگر است، آنچه از نظر تطور تاریخ می‌توان فهمید، نخست این است که جامعه بشری از یک نوع ساده به سوی فردگرایی، تخصص و نوع خاصی از هم‌بستگی (اندامی) در حرکت است. دیگر اینکه در توضیح مناسبات فرد و جامعه، جامعه بر فرد تقدم دارد. او برای شناخت هم‌بستگی مدعی بود که قوانین جامعه را باید شناخت و قوانین نیز تابع میزان تقسیم کار و گستره وجدان جمعی است. (جمشیدیها، ۱۳۸۳)

### اشکال هم‌بستگی در ایران

بحث درباره مفهوم جدید هم‌بستگی در ایران از انقلاب مشروطه آغاز شد و پیش از آن اصل بر تنوع قومی، فرهنگی، قبیله‌ای و زبانی بود. نفس عدم اعتنای دولت قاجار به مسئله هم‌بستگی و هویت ملی، یکی از نشانه‌های ماهیت سنتی آن دولت است. جنبش مشروطه و دولت برخاسته از آن، با طرح مسئله ترقی و پیشرفت اجتماعی، اندیشه قدرت مرکزی و تمرکز سیاسی، و نیز تمدید قدرت مطلقه دربار، به‌عنوان سه مسئله اساسی مشروطیت، راه را برای طرح مسئله هم‌بستگی ملی هموار کرد. (بشیریه، ۱۳۸۲)

در دوران پهلوی مسئله هم‌بستگی ملی با ایدئولوژی مدرنیسم گره خورد. در پروژه مدرنیسم، سنت و مذهب و گروه‌های قومی و سنتی به‌عنوان اغیار حذف شدند. پروژه مدرنیسم با تشویق سکولاریسم، ناسیونالیسم، صنعتی کردن و تمرکز سیاسی در دولت ملی، موجب بیگانه‌سازی بخش‌های عمده‌ای از جامعه سنتی، از جمله گروه‌های مذهبی، اصناف خرده‌بورژوازی، اقلیت‌های قومی و شئون اجتماعی شد. با ظهور ایدئولوژی مدرنیسم پهلوی، برای نخستین بار مسئله هم‌بستگی ملی و تکوین هویت یگانه مطرح شد. اما شیوه‌های یکسان‌سازی مدرنیستی در شرایط اوایل قرن بیستم، به نفی و بیگانه‌سازی عناصر مهمی از جامعه سیاسی ایران می‌انجامید و تنوعات جامعه سنتی را تخریب می‌کرد. به همین دلیل بود که مدرنیسم مطلقه دولت پهلوی با محدودیت‌ها و موانعی مواجه شد که از ساختار سنتی و نیرومند جامعه ایران برمی‌خاست و در برابر ساختار مدرن و ضعیف دولت پهلوی قرار می‌گرفت. (بشیریه، ۱۳۸۲)

در شرایط فعلی و در حال تغییر جامعه‌ای مانند ایران، توسل به سیاست هم‌بستگی تشابهی و فرهنگی توفیق آمیز نخواهد بود و تنها باید به پیشبرد هم‌بستگی به شیوه کارکردی انداموار و مدنی اندیشید. از طرف دیگر هم‌بستگی ارتباطی بر پایه کشش‌های ارتباطی و کلامی استوار است. از این رو لازمه پیدایش هم‌بستگی ملی و اجتماعی در جامعه ما، پیدایش و استقرار افکار عمومی اندیشیده شده، جا افتاده و مستمر است و این نوع افکار عمومی هم تنها در پرتو هم‌بستگی قوام پیدا می‌کند. حفظ و گسترش تنوعات فکری لازمه هم‌بستگی کارکردی و انداموار به شمار می‌آید.

به هر روی کشور ایران، سرزمینی پهناور و متشکل از اقوام، نژادها، مذاهب و ادیان مختلفی است که با هم و ذیل یک پرچم، ملت واحدی را تشکیل داده اند. این مجموعه به مثابه یک پازل عمل کرده و به درستی کنار یکدیگر قرار گرفته اند. اگر هر کدام از قطعات این پازل جابجا، مفقود یا دچار اختلال شود، به همان اندازه در کل آن مجموعه تاثیر گذاشته و خلل جبران ناپذیری ایجاد خواهد کرد. پازل ایران بزرگ متشکل از اقلیت‌های قومی ترک، لر، بلوچ، آذری، کرد، ترکمن، عرب، گیلک، و... و نیز اقلیت‌های چهار گلنه مذهبی اهل سنت و همچنین اقلیت‌های دینی مسیحیت، یهود و زرتشت می باشد. هر کدام از این اقلیت‌ها نیز خود اجزاء کوچکتری درون خود دارا می باشند.

به دلیل وجود معارضین قابل توجه علیه جمهوری اسلامی اعم از اپوزیسیون و کشورهای بیگانه، هر گونه ایجاد نا امنی و بهتر گفته شود امنیتی سازی اقلیت‌های مذکور، بویژه اقلیت‌های دینی در کشور، حتما حمایت های دیگران را به دنبال داشته و می تواند به مثابه جرقه ای به انبار باروت عمل کند. احساس تبعیض و استفاده ابزاری این ظرفیت را دارد که سلب انسجام از آنان می تواند پیشرانی برای ورود آنها به دایره امنیتی شدن و بروز حرکات رادیکالی باشد. پس بدیهی است که امنیتی شدن اقلیت‌های دینی این ظرفیت را دارد که شاکله انسجام اجتماعی و ملی را دچار خدشه نماید.

در همین رابطه نورمحمدی معتقد است نوع انتخاب گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر و تعریف منطقه ای حوزه‌ی اختیارات این عوامل حکایت از جهت گیری خاص این مجامع دارد. نوع شکل بندی اعضای جلسات مربوط به بررسی و پیگیری گزارشات حقوق بشری، تعریف وظیفه‌ی قابل مشاهده برای هر یک از اعضا، طراحی سوالات و تلاش برای محکوم کردن جمهوری اسلامی در جلسات مربوط به این مجامع و در نهایت گزارشات غیر واقع و محصول تلاش‌های اقلیت‌ها نشان از فضای امنیتی حاکم بر این مجامع دارد. هر ساله گزارشات کلیسای در رنج و یا شورای پایی علی رغم لطف و توجه ویژه ی جمهوری اسلامی به روابط خود با واتیکان ، قابل تامل است. هم چنین قطعنامه های متعدد U.P.R و... (نورمحمدی، ۱۳۹۹)

در مورد تاثیر امنیتی شدن اقلیت‌های دینی بر انسجام و شاکله اجتماعی باید اظهار داشت که بعضی از افراد وقتی صحبت از هویت و انسجام ملی و یا کلاً ملیت می‌شود، فکر می‌کنند که بحث هویت ملی یک هویت مستقل است و این خرده هویت‌ها در تعارض با آن هستند. در حالی که خودِ هویت ملی برآمده و متشکل از

همه این خرده هویت‌ها و طبقات اجتماعی است و مجموعه‌ای از این خرده هویت‌ها، نهایتاً به یک اشتراکات نهائی ذیل منافع ملی می‌رسد و آنجا دیگر امنیت ملی هم به تبع آن اتفاق می‌افتد. وقتی که صحبت از انسجام و همبستگی اجتماعی و ملی می‌شود یعنی تمرکز بر مشترکات طبقات مختلف جامعه و خرده هویتها، این تمرکز موجب می‌شود که اختلافات و تنازعات و تعارضات کم رنگ شوند و نهایتاً فرآیندی را رقم زنند که آن گسل‌های جامعه برطرف شود. اما اگر خلاف این شد و این خرده هویت‌ها در مقابل هویت جمعی و ملی قرار گرفت، یعنی این که هویت‌های خرد تمرکز کردند بر افتراقات، به همان اندازه که طبقات اجتماعی و گروه‌ها و خرده هویت‌ها بر افتراقات و به عبارتی آن خلاءها تمرکز کنند، به همان اندازه گسل‌ها تحریک می‌شود، این امر خیلی پیچیده‌ای نیست، بنابراین وقتی که تبعات اجتماعی و خرده هویت‌ها در انواع اشکال و متعدد، تمام تلاش خود را بر پاسداشت منافع ملی و امنیت ملی به عمل آورند، نتیجتاً انسجام ملی هم اتفاق می‌افتد. اما خلاف این معنا یعنی اینکه گسل‌های جامعه در حال تحریک شدن است و آنجاست که اقلیت‌های دینی مذکور بر حسب امنیتی می‌خورند و به دنبال آن اختلافات بین حاکمیت و آن‌ها و سایر تنوع‌های قومی و مذهبی رقم می‌خورد، گسل‌ها تحریک می‌شود و جامعه انسجام خود را از دست می‌دهد و تبدیل به یک جامعه‌ی امنیتی می‌شود و نهایتاً فضای امنیتی مستولی و فراگیر می‌شود.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که حاکمیت در کنار اکثریت جامعه و جامعه اقلیت دینی باید بر مشترکات تاکید کرده و کمتر معطوف به تعارضات، اختلافات و افتراقات شوند. اگر این موضوع رقم خورد انسجام اجتماعی و ملی شکل گرفته و امنیتی شدن اقلیت‌های دینی متفی و از این فضا به مراتب دور خواهد شد. (داداشی آذر، ۱۴۰۰)

**علل و مصادیق<sup>۲</sup> امنیتی شدن اقلیتهای مذکور «در پی تحریکات و سیاست ابزاری دول متخاصم» و « متأثر از مداخله مجامع و محافل بین المللی»**

**الف) علل و مصادیق امنیتی شدن اقلیتهای مذکور در پی تحریکات و سیاست ابزاری دول متخاصم**  
 آنچه مسلم است دست‌های پیدا و پنهانی وجود دارند که می‌کوشند اقلیتهای دینی را به سمت اهداف مورد نظر خود سوق دهند. در یک نگاه آشکار این دست‌ها با تمسک به مسائل انحرافی، مدعی نقض حقوق اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی می‌شوند. آن‌ها فرقه‌های انحرافی نیز در عداد اقلیت‌های دینی قلمداد و با تمسک بدان‌ها، بهانه‌های قابل اتکائی همچون عناصر فرقه ضاله بهائیت، افراد وابسته به جریان سیاسی تبشیری (شاخه‌های متعدد عمدتاً پروتستان)، و... را برای اثبات فرضیه‌های خود ارائه می‌دهند. در ادامه به برخی اظهارات جهت دار که از سوی افراد، نهادها و مجامع بین‌المللی صادر شده اشاره می‌گردد. در سایت اینترنتی صدای آمریکا آمده است: «اقلیت‌های دینی و قومی طی چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی در ایران با محدودیت، تبعیض، سرکوب و برخوردهای امنیتی و قضائی روبرو بوده‌اند. .... قانون اساسی جمهوری اسلامی

<sup>۲</sup> causes & cases

ایران تنها برخی ادیان ابراهیمی را به رسمیت شناخته، اما موارد مشخصی از نقض حقوق پیروان این ادیان در این چهار دهه دیده می‌شود».

این سایت سپس برای نمونه مشخص از نقض حقوق اقلیت‌های دینی، بهائیت را در زمره این اقلیت‌ها آورده و می‌گوید:

«... وضعیت جامعه بهائی در ایران بدتر از تمام اقلیت‌های دینی و مذهبی است. مقام‌های حکومت ایران که از بهائیان به عنوان پیروان فرقه ضاله یاد می‌کنند، از سال‌های اول انقلاب برخورد با بهائیان را آغاز کردند. ... فشارها بر جامعه بهائی در سال‌های اخیر افزایش یافته به طوری که انتقاد دیده بان حقوق بشر را در پی داشته است.»

این سایت در ادامه به نقل از گزارش سال ۲۰۱۸ وزارت خارجه ایالات متحده می‌نویسد: «فشار جمهوری اسلامی بر بهائیان ادامه دارد. پیروان آئین بهائی قربانی تبعیض، زندان و بازداشت هستند... مسئولان ایرانی از سال ۲۰۰۰ بیش از ۶ هزار مسیحی و نوکیش را بازداشت کرده اند. هشتادمورد از بازداشت‌ها بین ماه مه تا اوت ۲۰۱۶ بوده است.» (صدای آمریکا، ۱۳۹۷)

همان گونه که مشاهده شد، از دید وزارت خارجه آمریکا، کاخ سفید و طرفداران حقوق اقلیت‌های دینی، فرقه هائی همچون بهائیت و مسیحیت صهیونیستی که اعمال آنها حتی باعث ایجاد محدودیتشان در آمریکا نیز شده است، در زمره یک دین یا به قول خودشان دین جدید معرفی می‌نمایند. که این رفتار همه نیات بشر دوستانه آنها را زیر سوال می‌برد. این در حالی است که پس از ظهور فرقه سائیتولوژیست‌ها در پاریس، قانون ضد فرقه سال ۲۰۰۱ در فرانسه به تصویب رسید و یا در آمریکا با برخوردهای خشن فرقه مورمون‌ها که ذیل مسیحیت پروتستان تعریف می‌شود را با شدت سرکوب کردند و یا در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون، با طایفه کورس دیویدیان در تگزاس وحشیانه‌ترین برخوردها را به عمل آورده و همه را یک جا سوزاندند.

در گزارش سال ۱۳۹۹ کمیسیون ایالات متحده در امور آزادی دینی بین المللی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش پیروان ادیان و مذاهب دیگر از جمله بهائیان و مسیحیان را هدف قرار داده است. ایران طبق قوانین بین المللی آزادی دینی، به عنوان کشور مورد نگرانی ویژه قلمداد می‌شود.»

این کمیسیون در ادامه به دولت آمریکا پیشنهاد کرده است مقامات و سازمان‌های دولتی ایران را که مسئول نقض جدی آزادی مذاهب هستند را شناسایی کرده و طبق قانون پاسخگویی حقوق بشری، داریی‌های آنان را مسدود و ورود آن‌ها را به ایالات متحده ممنوع کند. (کمیسیون ایالات متحده در امور آزادی دینی بین المللی، ۱۳۹۹)

شایان ذکر است این کمیسیون ظاهراً یک کمیسیون غیر دولتی مستقل و مورد حمایت هر دو حزب در آمریکا است که بر حق همگان برای داشتن دین و عقیده در خارج از کشور نظارت دارد. در گزارش ۱۱ آگوست

۲۰۲۰ میلادی «سازمان ماده ۱۸ سازمان ملل» که پیش از نشست ماه ژوئن کمیته حقوق بشر سازمان ملل مستقر در ژنو خطاب به این کمیته و با همکاری سازمان های بین المللی «درهای باز» «ام ئی سی» «اتحاد جهانی انجیلی» و «همبستگی جهانی مسیحی» تهیه شده، ضمن این که خواستار پاسخگوئی جمهوری اسلامی در قبال تعهدات بین المللی در مورد اقلیت های دینی شده اند، آمده است:

«جمهوری اسلامی از پنج روش، حق آزادی دینی مسیحیان را سلب می کند. ۱- ارائه خدمات و نشریات به زبان فارسی در کلیساهای ایرانی. ۲- با استناد به چند ماده از قانون مجازات اسلامی، مسیحیان را مورد پیگیری قضائی قرار می دهد. ۳- آن دسته از کسانی که از دین اسلام خارج می شوند را مرتد می دانند. ۴- مصادره یا تعطیل اجباری املاک کلیسا و تبعیض علیه غیر مسلمانان در قوانین ازدواج و وراثت و دسترسی به اشتغال و تحصیلات از دیگر محدودیت های اعمال شده علیه مسیحیان در ایران است.» (payameirani.com ۲۰۲۰)

نکته حائز اهمیت این که پروتستانتیزم هیچ گاه در ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب به دلیل عملکرد ساختار شکنانه خود رسمیت نداشته است.

در مواجهه با تحرکات بیگانگان در به اصطلاح حمایت از اقلیت های دینی در ایران، واکنش رهبران و نمایندگان این اقلیتها را به دنبال داشته است. آنان با درایت خود این گونه اعمال و حمایت سازمان های بین المللی را خلاف رویه عیسی مسیح علیه السلام عنوان داشته و بارها آن را محکوم کرده اند.

در بیانیه یکم دی ماه ۱۳۹۸ نمایندگان وقت اقلیت های دینی در مجلس شورای اسلامی (آقایان یوناتن بت کلیا نماینده آشوریان کاتولیک، کارن خان لری نماینده ارمنه ارتدکس تهران و شمال، ژرژیک آبرامیان نماینده ارمنه ارتدکس اصفهان و جنوب، اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان و سیامک مره صدق نماینده کلیمیان)، در محکومیت قطع نامه حقوق بشری علیه ایران آمده است: «در نشست هفتاد و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطع نامه هایی در دستور کار قرار گرفت و یکی از آن ها قطع نامه حقوق بشری علیه ایران بود که از سوی کانادا پیشنهاد شد. در رای گیری به عمل آمده ۸۱ عضو سازمان ملل موافق بودند، در حالی که ۳۰ عضو مخالف، ۷۰ عضو ممتنع و ۱۲ عضو نیز در رای گیری شرکت نکردند. این قطع نامه اگر چه در ظاهر محتوای حقوق بشری دارد ولی ماهیتاً بیانیه ای سیاسی است که کاملاً به صورت ابزار فشار با اهداف راهبردی مشخص علیه کشورمان مطرح و اعمال می شود. ما نمایندگان اقلیت های دینی مجلس شورای اسلامی قطعنامه مذکور را به مثابه استفاده ابزاری از مفاهیم حقوق بشر به شدت محکوم کرده و آن را رویکردی یکجانبه و مغرضانه می دانیم که بار دیگر با بکار گیری استانداردهای چند گانه سعی در انزوای بین المللی کشورمان دارد....» (بت کلیا، ۱۳۹۸)

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی نیز بیانیه مهم و مشترک مورخه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ نمایندگان مذکور خطاب به رهبر معظم انقلاب را که در آن به نکات مهمی اشاره شده، درج نموده است. در این بیانیه پس از تعارفات معمول به تلاشهای دوره چهار ساله اخیر نمایندگی خود بر اساس بندهای ذیل اشاره داشته اند:

تلاش در راه دفاع از منافع ملی و تعمیق وحدت و انسجام ملی موحدان ایران در حیطه قانون اساسی نظام مقدس جمهوری اسلامی تحت رهبری خردمندان مقام معظم رهبری؛

حضور در محافل بین‌المللی در کشورهای گوناگون جهان نظیر سوئیس، روسیه، اتریش، استرالیا، بلژیک، ایتالیا، آلمان، فرانسه، ساحل عاج، کنیا، واتیکان، سوریه، عراق و لبنان با هدف افشاگری توطئه های رسانه‌های استکباری و صهیونیستی علیه ملت شریف ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی؛

دفاع از حقوق کامل شهروندی پیروان ادیان توحیدی اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و زرتشتی و فعالیت مستمر در راستای مساوات حقوقی موحدان ایرانی بر اساس مفاهیم زیربنائی قانون اساسی کشور؛

تلاش برای دفاع از ارزش‌های تاریخی جوامع اقلیتهای دینی و مسائلی از قبیل شناسائی و محکومیت نسل‌کشی ارمنیان و آشوریان در سال ۱۹۱۵ میلادی توسط حکومت عثمانی، نسل‌کشی یهودیان در خلال جنگ جهانی دوم توسط رژیم نازی، نسل‌کشی مسلمانان مظلوم فلسطین و میانمار، دفاع از حق موجودیت علویان و مسیحیان و ایزدیان عراق و سوریه؛

محکومیت شدید و اعتراض به حرکات و رفتارهای غیر انسانی ارتش اشغالگر صهیونیستی علیه ملت مظلوم فلسطین، ارتش ویرانگر و کودک‌کش سعودی علیه ملت یمن و بحرین و متحدان راهبردی اسرائیل علیه کردهای بی دفاع عراق و سوریه؛

قدردانی همه جانبه از اقدامات سپاه قدس و شهید سردار سلیمانی در دفاع از مسیحیان و ایزدیان عراق و سوریه در برابر افراطی‌گری و تروریسم برخاسته از آن؛

محکومیت سیاست‌های جنگ‌افروزانه کشورهای مرتجع در جهت تامین منافع راهبردی آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه؛ (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹)

بعد از شایعات یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ مسیحیت به نام «محبت نیوز» که علاوه بر مخالفت آشکار و توهین به عقاید مسلمانان به تبلیغ و جذب مسلمانان نیز می‌پردازد، آقای بت کلیا نماینده وقت آشوریان کاتولیک در مجلس شورای اسلامی طی بیانیه‌ای به پاسخگویی به اظهارات ناصواب این شبکه پرداخت. در گوشه‌هایی از این بیانیه که در سایت خبری شفقنا منتشر گردیده چنین آمده است:

«ایران عزیز ما در جهان پرآشوب امروزی یکی از چهره‌های درخشان صلح و امنیت جهانی و یکی از حامیان حقوق بشر به شمار می‌آید. آشوریان که با قدمتی بیش از ۳۰۰۰ سال در ایران زندگی می‌کنند بنا به اعتقاد ما آشوریان در مدت کمی اجدادمان جهت ترویج مسیحیت به مغولستان، ترکمنستان، چین و جزایر اقیانوس کبیر نفوذ کرده و در قلب آسیای صغیر کلیسای شرق آشوری را تاسیس کردند که کوشش آنان امروز مورد تعجب تاریخ دانان مذهبی است. کشور ایران همواره گهواره زبان و مذهب و کلیسای ما بوده است. کلیسای ما در ایران رشد و عظمت پیدا کرده و به نام کلیسای پارسی خوانده شد و به اعلاترین درجات ارتقاء پیدا کرد، با جرات



می‌توانم بگویم باز هم توسعه و ازدیاد و عظمت خواهیم یافت. مدل زندگی ما مسیحیان در کشور باستانی ایران در هیچ یک از کشورهای جهان دیده نشده است.

این امر پیرو عهدنامه های حضرت محمد(ص) و حضرت علی (ع) در ۱۴۰۰ سال پیش با نصرانیان (آشوریان) منعقد شده و در آن عهدنامه بر مسلمانان تکلیف شده که مسیحیان را از هر گزندی مصون بدارند. در این حال گروه‌های سیاسی مخالف دولت ایران اقداماتی انجام داده اند که اصول همزیستی تاریخی ما را دچار اشکال کرده است. برخی نظرات حکایت از این دارد که این گروه‌ها به دنبال بحران اقلیت‌ها در ایران هستند.»

با توجه به تلاش های مسیحیت صهیونیزم برای بر هم زدن آرامش کشور و ایجاد اختلاف بین اکثریت و اقلیت دینی در ایران و با نگاه افشاگرانه علیه مسیحیت پروتستان و تبشیری، در ادامه آورده است: «گروه‌هایی که مسیحیت صهیونیسم را تبلیغ می کنند همواره در تلاش و کوشش هستند تا چهره ای غیر واقعی از ایران عزیز ارائه کنند و علیرغم اینکه آموزه مسیحیت استوار بر راستگویی است اینان جز دروغ چیزی برای انتشار ندارند. همانطور که همه واقفیم این مبشرین مسیحی‌نمای صهیونیستی هجمه ای علیه نظام را در دستور کار دارند و تلاش می کنند حملات انتقادی علیه نخبگان و روحانیون مسیحی ساکن کشور ایران داشته باشند و به هر نحو ممکن تصویری نادرست را بزرگ نمایی کرده و منتشر کنند.

گروه‌های تبشیری ای که با تفکری خاص در حال رشد و فعالیت هستند مورد قبول هیچ یک از مسیحیان راستین نیست، چرا که مسیحیت راستین در پی نفاق و تفرقه افکنی نمی باشد بلکه آموزه های عیسی مسیح بر پایه عشق و محبت بوده و در هیچ جای کتاب مقدس دورویی و نفاق جای ندارد. این مسیحی نماها جایی در مسیحیت ندارند و فقط خواستار خودنمایی هستند که صد البته کار به جایی نخواهند برد. ما مسیحیان ایرانی با افتخار به ایرانی بودن با یک اتحاد و همبستگی، اعتماد و آرامش مثال زدنی در کنار سایر هموطنان خود زندگی می کنیم. جامعه آشوری ایران اعلام می دارد که آشوری ها در غم ها، شادی ها و در ترقی و پیشرفت ایران همیشه سهیم و شریک بوده و سازمان های مختلف آشوری با وجود کمی جمعیت از یک قدرت قابل توجه ملی و بین المللی برخوردار است و منافع خود را در ایران به صورت جدی دنبال می کند.

در ایران به غیر از مسلمانان سه اقلیت مذهبی یعنی مسیحی، کلیمی و زرتشتی زندگی می کنند. این سه اقلیت مذهبی با هم در زمین های فرهنگی و ورزشی همکاری نزدیک دارند. برگزاری جشنواره های ورزشی جام اتحاد و جام دوستی که از استقبال بی نظیر زن و مرد، پیر و جوان و کودک این اقلیت‌ها روبه رو است و سالی دو بار این جشنواره ها برگزار می شود. آشوریان قرن های متمادی در ارومیه زندگی کرده و در حال حاضر بیش از ۹۰ کلیسا در روستاهای این شهر داشته که به انجام فرائض مذهبی خود می پردازند. قدیمی ترین کلیسای جهان به نام کلیسای ننه مریم نیز در این شهر است کلیسایی که در قرن اول مسیحیت بنا نهاده شده است.» (سایت خبری شفقنا، ۳۰ تیر ۱۳۹۸)

آنچه از مجموعه مباحث فوق آشکار می‌شود این که افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی مختلف تحت فشار برخی دولت‌ها، به گونه‌ای می‌کوشند با مغلطه و برجسته کردن موضوع فرقه‌های ضد بشری که معرفی آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد، اقلیت‌های شناخته شده را نیز به سمت تردید سوق داده و زمینه امنیتی شدن آن‌ها را فراهم سازند. در این میان چنان که گذشت نقش رهبران و نمایندگان آگاه آن‌ها و مسئولان ذی ربط دولتی بسیار تعیین‌کننده بوده و تا کنون از این مهم جلوگیری نموده است.

بدیهی است که تحرکات افراطیون طرف داخلی و نیز محرکان خارجی به زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان و پیروان اقلیت‌های دینی آسیب زده و همواره این بدبینی بین مسلمانان و اقلیت‌های دینی رسمی وجود خواهد داشت. لذا در صورتی که اکثر مردم و جامعه نخبگان، شاخه‌های متعدد مسیحی و نیز سایر اقلیت‌های دینی قانونی را نشناسند، و اهداف جریانات مشکوکی همچون پروتستانیزم و حتی افراطیون سایر اقلیت‌های دینی و اهداف مخرب آنها را نشناسند، موجب می‌شود تا همگان را با یک چشم دیده و این چالش جدی همیشه پا برجا بماند.

نورمحمدی در خصوص نقش بیگانگان در امنیتی شدن اقلیت‌های دینی اظهار می‌دارد: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ساخت انواع کلیساهای وابسته به دولت‌های بیگانه، تاسیس موسسات گوناگون صهیونیستی و عمدتاً وابسته به رژیم صهیونیستی، آمریکا و حتی دولت‌های اروپائی، شکل‌گیری انجمن‌های زرتشتیان با حمایت مستقیم دولت‌هایی از جمله انگلیس، ترویج باستان‌گرایی با گره زدن به زرتشت به منظور اسلام زدائی که از زمان قاجار شروع و در رژیم پهلوی به اوج رسید، که اوج این تهاجم جشن‌های فرهنگ و هنر و ۲۵۰۰ ساله بود، فضای حاکم بر اقلیت‌های دینی را امنیتی کرد و نقش سفارت‌خانه‌های دولت‌های مذکور قابل توجه بود تا جایی که این اقلیت‌ها نیز از اظهار آن ابائی نداشتند، به خصوص مساعدتی که به آنها در مهاجرت‌ها می‌شد. یهودیان منشاء قدرت خود را اسرائیل دانسته و از سفر به این سرزمین اشغالی حتی تا سال‌ها بعد از انقلاب اسلامی ایران با افتخار یاد کرده و به همین جهت به محض پیروزی انقلاب، کینه فرو خورده در جامعه اسلامی، خود را نشان داد. کشورهای متخاصم، به خصوص آمریکا با طراحی قوانین نظیر "قانون آزادی اقتصادی و دینی" و ساختارهایی در دولت مانند "دفتر دموکراسی، حقوق بشر، اشتغال و کار" یا "کمیسریون بین‌المللی آزادی ادیان" وابسته به کاخ سفید، تاسیس "دفتر بین‌المللی آزادی ادیان" در دفتر فعالین حقوق بشر و دموکراسی و... هر گونه شائبه عادی دیدن وضعیت اقلیت‌ها را منتفی و بهره‌برداری از اقلیت‌ها را برای امنیتی شدن و مخالفت با نظام حاکم قوت بخشید. (نورمحمدی، مصاحبه، ۱۳۹۹)

داداشی‌آذر نیز در این خصوص بیان می‌دارد، بحث تحریکات خارجی و مصادیق امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در پی آن، بسیار مهم است، چرا که عمده مسائل مهم در حوزه اقلیت‌های دینی که می‌تواند موجب امنیتی شدن آن‌ها شود، صرفاً نه حوزه‌های تعارضات ایدئولوژیکی است و نه حوزه‌های تقنین و مقررات، بلکه همین دخالت‌های خارجی بسیار تاثیرگذارند. اقلیت‌ها همیشه به عنوان ابزاری در اختیار قدرت‌های سلطه برای اعمال فشار در دست عوامل خارجی بوده‌اند. هر چند این موضوع عمدتاً متمرکز بر حقوق بشر است. البته در

این میان یک موضوعی وجود دارد به نام امتداد فرهنگی که عمدتاً در سطح دنیا مسئله ساز هستند. یعنی امتداد یک اقلیت دینی و یا قومی به کشور همسایه برسد مثلاً امتداد فرهنگی ارمنه داخل به ارمنستان و یا امتداد فرهنگی ترکمن ها به ترکمنستان و کردها به اکراد دیگر کشورها و همچنین عرب ها و غیره. لذا امتداد فرهنگی معمولاً در همه کشورها مسئله ساز بوده و بعضاً باعث دخالت کشورها در این حوزه، به بهانه دفاع از هم تبار های قومی یا دینی خواهد شد. اما آن چه که تا کنون از طرف خارجی ها علیه جمهوری اسلامی و در سابقه‌ی چهل ساله‌ی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌ی اقلیت‌های دینی همواره مطرح بوده، عمدتاً با محوریت حقوق بشر بوده است. بعضی ها معتقدند پرونده‌ی حقوق بشر ایران جزء آن چهار پرونده‌ی اساسی جمهوری اسلامی یعنی پرونده‌های هسته‌ای، حمایت از تروریسم، منطقه‌ای و بحث موشکی، یک پرونده‌ی اساسی هم پرونده‌ی حقوق بشر است. لذا من معتقدم که عمده‌ی نگاه غربی ها و قدرت های سلطه به بحث اقلیت‌های دینی در ایران از جنس حقوق بشر می باشد. چون واقعاً نمی‌تواند از حیث دیگری از این ها بهره برد. پسندیده و پذیرفتنی نیست و نمونه‌ای هم وجود ندارد که بگوییم این ها از منظر استفاده‌های مثلاً جاسوسی و اطلاعاتی و مواردی از این دست و یا تهاجم فرهنگی از اقلیت‌ها بهره می‌برند. بلکه تنها موردی که می‌تواند مورد استفاده‌ی بیگانگان از اقلیت‌های دینی در ایران باشد، گنجاندن آن ها در موضوعات مربوط به حقوق بشر است. حالا چه در حوزه‌ی یونسکو، سازمان بین‌المللی کار، شورای حقوق بشر سازمان ملل و دیگر حوزه‌های حقوق بشری، که تا الان این فشارها وجود داشته است.

زمانی بحث استخدام اقلیت‌های دینی را مطرح می‌کردند، زمانی حتی بحث تبعیض مثبت این ها را مطرح می‌کردند، زمانی بحث مشاغل اعضای اقلیت‌های دینی مطرح شد، در برخی مواقع هم موضوع دیه‌ی اقلیت‌ها مطرح کردند. اما در مجموع معتقدم که مهم‌ترین و شاخص‌ترین بهره‌ای که نظام سلطه می‌تواند از اقلیت‌های دینی در ایران برد، کماکان حوزه حقوق بشر است. هرچند که تا الان بخش قابل توجهی از بیانیه‌های صادره علیه ایران، با بیانیه‌های اقلیت‌های دینی داخل ایران مواجه شد و رهبران این اقلیت‌ها مثل آرام کشیشیان و مردان خای بیانیه‌هایی در دفاع از جمهوری اسلامی ایران صادر کردند و لذا بیگانگان نتوانستند آن طور که می‌خواستند از این حربه بهره‌برداری کامل نمایند.

ولی در مجموع می‌توانند بحث بسیار مهمی باشد و از علل امنیتی شدن اقلیت‌های دینی می‌توان به بحث پرونده حقوق بشر به بهانه نقض حقوق اقلیت‌های دینی اشاره کرد که تا الان هم چندین نوبت این اتفاق رقم خورده و قطع نامه‌های صادر شده است. (داداشی‌آذر، ۱۴۰۰)

تجربه نگارنده که مدت‌ها با مجامع حقوق بشری ارتباط داشته نشان می‌دهد در دورانی که برخورد قانونی متنوع فرهنگی و انتظامی با کلیساهای خانگی و مروجان ارتداد از اسلام، شدت بیشتری گرفت و افراد موثر و دخیل محکوم شدند، موج فشارهای بین‌المللی و تبلیغات فراوان نیز در این رابطه شکل گرفت. به طوری که برخی وابستگان جریانات سیاسی داخل هم به حمایت از آن پرداختند. در سطح خارجی تبلیغات بسیاری به راه افتاد. در یک مورد در آمریکا ۳۹ نماینده کنگره با نوشتن نامه‌ای از هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت،

خواستند که با استفاده از تمام امکانات و اختیاراتی که در اختیار دارد برای آزادی افراد متهم، در سطح بین‌الملل تلاش کند. دبیر کل حزب دمکرات مسیحی آلمان در نامه‌ای خطاب به سفارت ایران «آزادی و انتخاب دین» را بخشی از حقوق بشر خواند و ایران را متهم به نقض معاهدات بین‌المللی در حفظ حقوق سیاسی و شهروندی این افراد کرد. دزموند توتو، اسقف اعظم آفریقای جنوبی و برنده جایزه صلح نوبل که به خاطر همکاری با نلسون ماندلا برای خود اعتباری دارد، از جمهوری اسلامی ایران خواست که متهمین را آزاد کند. تری جونز یکی از کشیش‌های تندرو و ضد اسلامی آمریکا، در اعتراض، اقدام به آتش زدن قرآن مجید و سوزاندن تمثال نبی مکرم اسلام (ص) نمود. به طور کلی، نگاهی به شمای کلی تحولات مزبور در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که جریان مبلغ مسیحیت، شروع به تبلیغ در میان مسلمانان کرده و عواملی همچون حمایت دولت‌های خارجی (به خصوص ایالات متحده آمریکا و بریتانیا)، حمایت نهادهای حقوق بشری و سازمان ملل متحد، آنان را به فعالیت خویش امیدوار کرده است.

### ب) علل و مصادیق امنیتی شدن اقلیت‌های یاد شده متأثر از مداخله مجامع و محافل بین‌المللی

هرچند آنچه گذشت متأثر از تحرکات دولت‌ها بود، ولی می‌توان اذعان داشت که ورود مجامع و محافل بین‌المللی نیز همواره متأثر از سفارش و فشارها دولت‌های متخاصم بوده و هست. در بسیاری از مواقع این ورود غیر منطقی و اطلاعاتی که در اختیار این محافل قرار دارد، قابل توجیه نبوده و اگر نگوئیم نقش پنهان سرویس‌های جاسوسی، ولی حداقل نقش موثرین دولتی به شکل غیر مستقیم از طریق هدایت عناصر اقلیتی و فشار به این مجامع برای محکومیت جمهوری اسلامی قابل مشاهده می‌باشد.

صدور متعدد قطع‌نامه‌ها برای دفاع از حقوق اقلیت‌های دینی در ایران، این شبهه را برای گسیل این اقلیت‌ها به سمت امنیتی شدن به ذهن متبادر می‌سازد. (نورمحمدی، ۱۳۹۹)

در خصوص دست‌اندازی‌های مجامع بین‌المللی و حقوق بشری و نقش آنها در زمینه امنیتی شدن اقلیت‌های دینی، به نظر بنده موجودیت مستقلی ندارد. اگر موضوع کنوانسیون‌های متعدد، مجامع حقوق بشری و گزارش‌گران ویژه را در نظر بگیریم، معتقدم موجودیت اینها نیز موجودیت مستقلی نیست، چون که آنها هم ابزاری در اختیار قدرت‌های سلطه می‌باشند، قدرت‌های سلطه با اعمال فشار بر روی این مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، آنها را وادار می‌کنند تا در موضوع اقلیت‌های دینی در ایران ورود کرده و قطع‌نامه‌هایی مبنی بر نقض حقوق اقلیت‌های دینی صادر نمایند.

آخرین بحثشان، بحث مسلمانان مسیحی شده بود که مطرح کرده و اذعان داشتند آنانی که تغییر دین دادند تحت آزار و اذیت هستند. البته این قضیه ناظر بر پروتستان‌ها می‌باشد. ولی در کل باور دارم که این مجامع از دو یا سه منظر ورود می‌کنند، اول به پشتوانه دولت‌ها و قدرت‌های نظام سلطه، یعنی همان اعمال فشار نظام سلطه برای محکومیت نظام جمهوری اسلامی ایران. دوم نفوذ و ورود گروه‌ها و جریان‌ات اپوزیسیون در پرونده‌های حقوق بشری در مجامع مربوطه علیه جمهوری اسلامی ایران و سوم هم خود این مجامع مستقلاً به این

نقطه می‌رسند. به هر حال اگر بر روی هر کشوری تمرکز کنند مواردی از نقض حقوق بشر را بنا به تعریف خود پیدا می‌کنند. اخیراً کاریکاتوری در فضای مجازی منتشر شد که نشان می‌داد عده‌ای از مجامع بین‌المللی و کشورهای بیگانه ذره بینی رار بر روی ایران متمرکز کرده و دنبال مباحث هسته، موشکی، حقوق بشری و حقوق اقلیت‌های دینی و امثالهم نموده بودند، در حالی که زرادخانه هسته‌ای اسرائیل که پشت سرشان بود را نمی‌دیدند. لذا وقتی که آنها را وادار می‌سازند به تمرکز بر روی هر کشوری، به قطعیت می‌گویم که می‌توانند مجموعه‌ای از نقض حقوق بشر را بر اساس استانداردهای خودشان پیدا کنند. پس این سه گام یا سه راه‌کاری که معمولاً منتج می‌شود به مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری در حوزه حقوق اقلیت‌های دینی در ایران که غالباً هم به محکومیت ایران ختم می‌شود. (داداشی آذر، ۱۴۰۰)

خانم رستم‌آبادی در رابطه با برخی علل وزمینه‌های دخیل در امنیتی شدن اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران به موارد ذیل اشاره و اظهار می‌دارند:

- از جمله فاکتورهای مهم، تعلق خاطر پیروان ادیان به سرزمین مقدس خود، که در واقع نشأت گرفته از زمینه تاریخی و الهیاتی آنان است. در این راستا می‌توان به یهودیان (سرزمین‌های اشغالی فلسطین)، ارامنه مسیحی (به ارمنستان) و آشوریان مسیحی (به سرزمین آشور و کلدان در عراق) اشاره داشت. نباید فراموش کرد که ارامنه مستقر در ایران همیشه دارای دو گذرنامه ایرانی و ارمنستانی می‌باشند.
- موضوع دیگر حضور رهبران و مراجع دینی مسیحیان ارمنی و آشوری در آن سوی مرزهای جمهوری اسلامی ایران است که به تبع تعلق خاطر پیروان ادیان در ایران معطوف به آن کشور می‌شود. شایان ذکر است رهبر ارامنه وابسته به حوزه آنطلیاس، مستقر در لبنان، رهبر ارامنه وابسته به حوزه اچمیادزین مستقر در ارمنستان، رهبر آشوریان و کلیسای شرق آشور در عراق، و رهبر کلیسای ارامنه کاتولیک و آشوریان کلدان کاتولیک در واتیکان مستقر می‌باشند.
- از جمله مورد دیگر مشکلات اقتصادی که زمینه‌ای برای پاسخ مثبت پیروان ادیان به تحریکات خارجی است. در این رابطه هر چند مختص ایران نیست و مسیحیان ارمنستان را نیز درگیر کرده است، سیل مهاجرت ارامنه به کشورهای اروپایی، برای یافتن زندگی با رفاه بیشتر می‌باشد. (رستم‌آبادی، ۱۳۹۹)

### بحث و نتیجه‌گیری

در آنچه گذشت کوشیدیم به فهمی درون‌بود از نظام مسائل امنیتی سه اقلیت دینی قانونی در جمهوری اسلامی ایران یعنی سه دین یهودی، مسیحی و زرتشتی دست یابیم. مفروض پژوهش این بود که تحرکات دول متخاصم، مجامع بین‌المللی و حقوق بشری در زمینه امنیتی کردن فضای اقلیت‌های دینی فعالند که این موضوع با توجه به مصادیق ذکر شده کاملاً مورد تأیید است. ولی آیا اقلیت‌های دینی مذکور به این مسئله رغبتی نشان داده‌اند باید اذعان کرد که موضوع کاملاً برعکس می‌باشد.

توضیح این که در جمهوری اسلامی ایران، آن شرایط ویژه که می‌تواند به کنش‌گران امنیتی‌کننده خارجی اجازه دهد موضوعی را امنیتی کنند، شرایطی است که به سبب آن‌ها این کنش‌گران تشخیص دهند که شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی که عبارت‌اند از رژیم سیاسی، تمامیت ارضی، انسجام سیاسی و تصویر بین‌المللی، در معرض تهدید قرار گرفته‌اند و از طرق عادی و روال‌مند نمی‌توان این تهدیدها را رفع کرد. در این خصوص باید خاطر‌نشان کرد که مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، عقیدتی- فرهنگی است و این ویژگی‌ای است که دیگر کشورهای منطقه فاقد آن هستند. به بیان دیگر، تهدید ایده دولت در جمهوری اسلامی، یعنی اسلام به مثابه مکتب، به منزله تهدید وجودی آن به شمار می‌رود؛ چراکه اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی نخواهد داشت. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی قاعدتاً می‌بایست دین، تغییر دین و اقلیت گرائی دینی را با همه ارزش‌ها (مثبت یا منفی) و ابعادش در محدوده هویت ملی و انسجام اجتماعی، مقوله‌ای امنیتی ببیند. بویژه در جایی که دول متخاصم مترصد فرصت بهره برداری از این پدیده بوده و از هر راهی برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. در نهایت، باید گفت در جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین دلیل امنیتی‌شدن امور به ظاهر غیرامنیتی، فهم توسعه‌یافته دشمنان جمهوری اسلامی از ماهیت آن و تلاش مضاعف برای تغییر این ماهیت است که از طریق تلاش برای تغییر سبک زندگی جامعه ایرانی از سبک زندگی ایرانی- اسلامی به سبک زندگی ایرانی- غربی آغاز و تا تغییر باورهای دینی و مقابل هم قرار دادن ادیان ادامه می‌یابد.

### راه‌کارهای پیشنهادی

نتیجه این که در برابر اقدامات پیش‌گفته بیگانگان، جمهوری اسلامی باید رویکرد پیشگیرانه را انتخاب نماید. انتخاب رویکرد پیش‌گیرانه موجب می‌شود تهدید در نطفه از بین رفته و بالفعل نشود، اما این شیوه امنیتی‌کردن برای اقناع‌سازی مخاطب با دشواری‌های بسیاری روبه‌روست و هزینه بالایی دارد. در رویکرد دوم، نظام سیاسی ممکن است زمانی به سراغ مقابله با تهدید برود که دیر شده باشد و در وضعیت غافل‌گیری و شکست امنیتی قرار بگیرد. مثال بارز این وضعیت را رابرت ماندل در کتاب «چهره متغیر امنیت ملی» و در خصوص وضعیت اروپای شرقی در دهه پایانی قرن بیستم آورده است، جایی که کنش‌گران و فعالان فرهنگی، هنری و اجتماعی هم خود را مصروف این تلاش موفق کردند که کمپین‌های سازمان‌یافته خود را غیرسیاسی و صرفاً یا حداکثر هنری و فرهنگی جلوه دهند و سویه‌های سیاسی و امنیتی آن را پنهان کنند که در نهایت، همین فعالان به رهبران تغییر و سرنگونی رژیم‌های کمونیستی در اروپای شرقی تبدیل شدند و آن‌ها را غافل‌گیر کردند.

بر پایه این ملاحظات و تجربیات، سبک مدیریت امنیتی مدیران جمهوری اسلامی، تا کنون عمدتاً در چارچوب رویکرد نخست بوده و تلاش کرده تا حد ممکن مانع غافل‌گیری و شکست امنیتی نظام در سطح فروپاشی و براندازی شود که البته تا کنون موفق نیز بوده است. در عین حال، فراتر از این رویکردها می‌توان این توصیه راهبردی را برای شیوه مدیریت تهدید در جمهوری اسلامی ایران داشت که گرچه درک کنش‌گران امنیتی‌کننده جمهوری اسلامی از موضوعات و مقولات امنیتی که به ویژه دشمنان نظام به آن ورود می‌کنند تا حد زیادی

درست است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که هر تهدید امنیتی، به ویژه زمانی که در نطفه است و در مرحله زایش، لزوماً راه حل امنیتی ندارد و می‌بایست و می‌توان از طرق غیرامنیتی به حل آن پرداخت و اتفاقاً برای اتخاذ رویکرد پیش‌گیرانه که مناسب‌ترین و کم‌هزینه‌ترین رویکرد مدیریت مسائل امنیتی است، این شیوه هم‌خوان‌تر است.

- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، عدالت و امنیت ملی در اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۳)، اقلیت گرائی دینی؛ طراحی یک چارچوب تحلیلی، تهران، انتشارات تمدن ایرانی
- بت کلیا، یوناتن، (۱۳۹۸)، تسنیم، خبرگزاری
- بت کلیا، یوناتن، (۱۳۹۸)، شفقتنا، سایت
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، مبانی علم سیاست، نظری، تاسیسی، تهران، نشر نگاه معاصر
- جهانی، محمد (۱۳۹۲)، تأثیر اقلیت گرائی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشریه آفاق امنیت
- جمشیدیها، (۱۳۸۳)، بی جا، بی نا
- خوبروی پاک، محمدرضا، (۱۳۸۰)، اقلیت‌ها، تهران، انتشارات شیرازه
- خوشحال، امیر، (۱۳۹۸)، مجله رشد
- دبیرخانه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (۱۳۵۸)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران
- سازمان ملل متحد، پیام ایران، (۲۰۲۰)، سایت [Payameirani.com](http://Payameirani.com)
- صدای آمریکا، (۱۳۹۷)، سایت اینترنتی
- عبدالله خانی علی، (۱۳۸۵) مقاله: بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن؛ تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، خرداد ۱۳۸۵
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، بررسی راه کارهای افزایش مشارکت نهادین سیاسی گروه‌های قومی و اقلیت، تهران، بی نا
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- کعبی، عباس (۱۳۹۵)، تحلیل مبانی اصل سیزدهم قانون اساسی، پژوهشکده شورای نگهبان، دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی
- کمیسیون ایالت متحده در امور آزادی دینی بین المللی، (۱۳۹۹)
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۸)، دین، فلسفه و قانون، به کوشش: علی دهباشی، تهران: سخن و شهاب



- مک‌کین لای، رابرت دی و لیتل، ریچارد (۱۳۸۰). امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

#### مصاحبه‌ها:

- مصاحبه توسط محمد علی سلامی، از خ. رستم آبادی، (۱۳۹۹)
- مصاحبه توسط محمد علی سلامی، از داداشی آذر، رسول، (۱۴۰۰)
- مصاحبه توسط محمد علی سلامی، از نورمحمدی، سید احمد، (۱۳۹۹)